



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اصل وصیّت نامه حقیق که در روز چهارم رجب سنه

یک هزار و چهارصد و سی و پنج هجریه قمریه

نوشته ام و در صندوقچه اطاق بیرونی محفوظ

می باشد. و پس از اجابت و لَبّیک داعی حق باید

توسط وصیّ محترم جناب آقای سید محمدرضا میری

مفتوح و به مفاد آن عمل گردد.



This field may contain sensitive information. The file may have been moved, renamed or deleted. Verify that the link points to the correct file and location.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّآلِهِ الطّٰهَرِیْنَ وَّلَعْنَةُ اللّٰهِ عَلٰی

أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِیْنَ

اللّٰهُمَّ فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَّالْأَرْضِ، عَالِمِ الْغَيْبِ وَّ

الشَّهَادَةِ، الرَّحْمٰنُ الرَّحِیْمُ. اللّٰهُمَّ إِنِّیْ أَعْهَدُ إِلَیْكَ فِی دَارِ

الدُّنْيَا أَنِّیْ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، وَحَدَّكَ لَا شَرِیْكَ لَكَ،

وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَّرَسُولُكَ، وَأَنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ

أَمِیرُ الْمُؤْمِنِیْنَ وَّسَیِّدُ الْوَصِیِّیْنَ وَّإِمَامُ الْمَوْحِدِیْنَ وَّقَائِدُ

الْغُرِّ الْمُحَجَّلِیْنَ وَّوَصِیِّ رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ وَّخَلِیْفَتُهُ

فِی أُمَّتِهِ وَّوَلِيُّ كُلِّ مُؤْمِنٍ وَّمُؤْمِنَةٍ مِنْ بَعْدِهِ، وَأَنَّ الْحَسَنَ

وَالْحُسَیْنَ وَّعَلِيَّ بْنَ الْحُسَیْنِ وَّمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ وَّجَعْفَرَ بْنَ

مُحَمَّدٍ وَّمُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ وَّعَلِيَّ بْنَ مُوسَى وَّمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ

وَّعَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ وَّالْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ وَّمُحَمَّدَ بْنَ الْحَسَنِ

الْعَسْكَرِیِّ الْقَائِمَ بِأَمْرِ اللّٰهِ، عَجَّلَ اللّٰهُ تَعَالَى فَرَجَهُ وَّسَهَّلَ

مِنْهُجَهُ، خَلَفَاءُ اللّٰهِ وَّخَلَفَاءُ رَسُولِهِ وَّأَوْصِيَاءُ رَسُولِهِ وَّ

هداة الخلق في سبيله و أمناؤه في أرضه و سمائه، و عيابه
علمه و معادن أسرارِهِ و ينابيع حكَمِهِ و أنواره، صلواتُهُ
و سلامُهُ عليهم أجمعين.

اللهم أنت الشاهد بأن هؤلاء أئمتي و سادتي و قادتي
و أوليائي، بهم أتقربُ و أتشفعُ إلى الله، و من أعدائِهِم
أتبرأُ إليك في الدنيا و الآخرة.

و أشهدُ أن الجنةَ حقٌ و أن النارَ حقٌ و أن البعثَ حقٌ
و الحسابَ حقٌ، و القدرَ و الميزانَ حقٌ و أن الدينَ كما
وصفتَ و أن الإسلامَ كما شرعتَ و أن القولَ كما
حدّثتَ، و أن القرآنَ كما أنزلتَ، و أنك أنت الله الحقُّ
المبينُ، جزى اللهُ محمدًا خيرَ الجزاءِ و حيّا محمدًا و آلَ
محمدٍ بالسّلام.

اللهم يا عدّتي عندَ كُربتي و صاحبي عندَ شدّتي و يا
وليَّ نعمتي؛ إلهي و إلهَ آبائي، لا تكِلني إلى نفسي طرفَةَ
عينٍ أبدًا! فإنّك إن تكِلني إلى نفسي، أقربُ من الشرِّ و
أبعدُ من الخير؛ فأنس في القبرِ و حشتي، و اجعل لي عهدًا
يومَ القاكَ منشورًا.

و بعد لا يخفى أنكه:

در مورخهٔ دوم شهر رجب الأصم، میلاد حضرت
امام علیّ النقیّ الهادی علیه السلام، سنهٔ یک‌هزار و
چهارصد و سی و پنج هجریهٔ قمریه، علی هاجرها
آلاف التّحیة و الثناء، این جانب سید محمد محسن
حسینی شیعی امامی حجازی، شماره شناسنامهٔ ۶۵۵
صادره از طهران، در نهایت صحت و سلامت و طوع
و رغبت، بلاکراه و لاجبار، تحت توجهات حضرت
ولیّ عصر ارواحنا له الفداء در بلدة طیبهٔ قم، عشّ آل
محمد و کریمهٔ اهل‌البیت حضرت فاطمهٔ معصومه
سلام الله علیها، به طریق مرقوم در ذیل، انشاء
وصیّت نمودم:

ابتدائاً در نظر داشتم که از فرزندان خود یکی را
وصی و دیگری را ناظر قرار دهم، ولی به ملاحظاتی
از این تصمیم صرف نظر نمودم و وصیّ خویش را
جناب مستطاب، سیدالعلماء الأعلام و فخرالعشیره
الفخام، صدیق شفیق و سرور گرامی، حجة الإسلام و
المسلمین آقای حاج سید محمدرضا میری دامت
توفیقاته قرار دادم، که چنانچه دعوت حق را لبیک
گفته، دار فانی را وداع و به جوار قرب و رحمت حق

پیوستم، چنانچه برای بازماندگان میسور باشد و موجب عسر و حرج نگردد، در کربلای معلی در جوار تربت مطهر حضرت آقای حدّاد رضوان الله علیه دفن نمایند؛ زیرا فرزند ایشان جناب آقا سید عبدالأمیر تصریح به این مطلب نموده و قبری در جوار والد بزرگوارشان اهداء نمودند. و اگر تحصیل این موضوع صعب و دشوار بود، در یکی از اماکن متبرکه به نظر و صلاحدید خود دفن نمایند.^۱

و در تغسیل و تکفین، امور مستحبه را حتی الإمكان مرعی دارند و بر مزار، ذکر مصائب آل عصمت قرائت شود. و در تشییع، زنان شرکت نکنند، چه این از امور مستهجنه و مذمومه عندالشارع است؛ مانند هدیه نمودن دسته گل بر مزار متوفی که مع الأسف این آداب جاهلی که از ناحیه غرب به ممالک مسلمین سرایت کرده است، امروزه متداول و معمول شده است.

۱. لایخفی آنکه حقیر نسبت به محلّ دفن به جهاتی تغییر نظر داده‌ام؛ بدین صورت که اگر فوت در یکی از اماکن مقدّسه روی داد، همان جا تدفین صورت پذیرد، و در غیر این صورت به قم یا مشهدالرضا علیه صلوات الله و سلام الله علیه انجام شود. شب دوشنبه دوم ربیع‌الأول، قم المقدّسه، ۱۴۳۷، سید محمد محسن حسینی طهرانی.

باری، به هیچ وجه احتیاجی به مجالس ختم و
هیاهو نیست؛ بالأخص مجالسی که امروزه مرسوم
است، از تعریف و تمجید متوفّی و بازماندگان او و
ایستادن اولیاء و اقربای میّت و خواندن اشعار و قاب
و قدح و گرفتنِ مجلس ختم در مسجد و مزاحمت
با مؤمنین و مصلّین که تمام این امور نیز به سرایت
آداب کفر در بین مسلمین رائج و دارج شده است.

بلی، آمدن به دیدن بازماندگان و قرائت قرآن کریم
سنت است؛ فالسنةُ تُحییُ و البدعةُ تُمات.

بدهی به کسی ندارم. نماز و روزه را حسب
تکلیف انجام داده‌ام، بسته به قبول و لطف حضرت
و هَب است. حجّ و زیارت بیت‌الله الحرام را به جای
آورده‌ام، اگر به منصفه قبول رسیده باشد.

جمع اولاد خود را توصیه می‌کنم به تلاوت قرآن
مجید و تدبّر در معانی رشیقۀ آن فی آناء اللیل و اطراف
النّهار، و مطالعۀ احوال و احادیث سروران دین، ائمّه
معصومین صلوات الله و سلامه علیهم أجمعین. و تجنّب
و دوری از تمدّن ضالّۀ غریبه و بدعِ هاویۀ مهلکه و
گرایش به آداب و رسوم کفر، و در عوض، تأدّب به

آداب اسلامیّه و سنن محمّدیّه، و تعلیم و تربیت اولاد و
احفاد خود را به دستورات اسلامیّه و محمّدیّه و علویّه،
و سایر ائمّه راستین علیهم صلوات الله و الملائکة
المقرّبین. و اصرار و ابرام در کسب علوم اسلامیّه از
قرآن و تفسیر و فقه و حدیث و حکمت متعالیه و
اخلاق و عرفان حقیقیّه و قدم استوار و متین در راه
عمل برای تزکیه و تهذیب اخلاق و کسب کمالات و
معارف الهیّه و وصول به لقای حضرت معبود جلّ و علا
و مقام فناء در ذات مقدّسش سبحانه و تقدّس، و آن
يَتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَ لَا يَمُوْتُنَّ اِلَّا وَ هُمْ مُسْلِمُونَ.

و این فقرات از وصیّت، وصیّت است به تمام
مؤمنان و دوستان و ارحام و سایر احبّه و اعزّه از
محبّان و معاشران.

این حقیر، به دنبال جمع زخارف نبوده‌ام، و در
طول زندگی پیوسته سعی نموده‌ام که هدف و مقصد
خود را تحصیل رضای پروردگار نمایم. و احبّه و
اصدقاء خود را از میان سالکان الی الله و رهروان
حریم معبود انتخاب کنم، و از باب:

پیوسته به خویشان و دوستان تأکید می‌کردم که

با اهل دنیا معاشرت ننمایند، و با سالکان و دوستان خدا حشر و نشر داشته باشند، شاید که به برکت مجالست با دوستانش، نظر لطفی به ما نماید و از قصورها و تقصیرهای ما درگذرد.

حقیر در طول زندگی پیوسته در پی تحصیل علم و معرفت و آثار به جای مانده از حضرات معصومین علیهم السلام بوده‌ام، لذا از مادیات و متاع دنیا چیزی نیندوخته‌ام، و مختصر اسباب و اثقالی که به حسب ضرورت زندگی مشاهده می‌شود، خودبه‌خود گرد آمده است.

آنچه به نام هریک از فرزندان یا عیال است، اصولاً تعلق به حقیر نداشته و متعلق به خود آنهاست. چون اولاد ذکور در رشته علم هستند، نوشتجات و کتاب‌های حقیر - اعم از خطی و چاپی - تماماً به آنها داده می‌شود و از ثلث محسوب شود (البته مقدار زائد سهم مادرشان).

کتاب حقیر دو بخش است: بخش اول کتب مرحوم والد رضوان الله علیه است که عبارت است از کتبی که در مشهد است، و مقداری از کتب

موجوده در قم که بر روی قفسه‌های آنها نوشته شده است. این کتاب‌ها به سه دسته قسمت شود و به هریک از اولاد، قسمی از آنها داده شود.

بخش دوم کتاب‌های خود حقیر است که به هریک به طور مساوی تقسیم گردد. البته هرکدام از آنها که مشابه آن را در کتابخانه خود داشته باشند، از سایر کتب به او داده شود.

این حقیر نزد هیچ فردی مال شخصی نداشته‌ام، و تمام اموالی که نزد رفقا قرار داده شده است، بلااستثناء باید در اختیار وصی محترم قرار گیرد و کیفیت تصرف در آنها به اختیار وصی خواهد بود و البته رفقا در این مسئله مساعدت لازم را با وصی محترم مبذول خواهند داشت، و کلام ایشان را مورد توجه قرار خواهند داد.

اما راجع به منزل مرحوم والد قدس سره در مشهد مقدس باید عرض کنم که جز سهم دو اخوی جناب آقای سید محمدصادق و آقا سید علی و همشیره... سهام باقی ورثه مرحوم والد به این جانب واگذار شده است. و همان‌طور که مرحوم والد

رضوان الله عليه به بنده وصیت نمودند که در آنجا
حیاً و میّتاً مراسم و جلسات اعیاد و وفیات حضرات
معصومین علیهم السلام برگزار شود، و متأسفانه
به عللی تعطیل گردید، بازماندگان باید سعی و تلاش
خود را برای احیای این مجالس طبق همان کیفیت و
خصوصیاتی که در زمان حیات مرحوم والد برگزار
می شد، به کار ببندند و در این قضیه فقط رضای الهی
را مدنظر قرار دهند، چه اینکه حقیر نیز در این قضیه
پس از فوت مرحوم والد همین مطلب را وجهه
اعمال و تصرفات خویش قرار داده بودم.

و اما در مورد منزل مشهد مناسب است که آن را
برای خود جهت زیارت عتبه مقدسه ثامن الحجج
علی بن موسی الرضا علیه و علی آبائه و آبائهم
التّحیه و الثناء نگه دارند و واگذار ننمایند.

و نسبت به منزل قم، حسینیه برای مجالس اعیاد
و وفیات معصومین علیهم السلام و نیز شب های ماه
مبارک رمضان به همین کیفیت و نحوه ای که فعلاً
برگزار می شود، بوده باشد. و طبقه وسط در اختیار

مخدّره مکرّمه مادامت الحیاة خواهد بود^۱.

و أوصیهم أدامَ اللهُ توفیقَهُم و تأییدَهُم علیٰ نظمِ
أموَرِهِم و التّوجّهِ إلی اللهِ و التّبَتْلِ إلیهِ فی کلِّ الأحوالِ
و التّمسّکِ بالعروة الوثقی و الحبلِ المتین: ولاءِ أميرِ
المؤمنینَ علیه السلام.

می خواستم وصیت نامه مفصلی بنویسم که حاوی
مطالب مهمّ اخلاقی باشد، دیدم با وجود مطالب
عالیه و حقایق سامیه‌ای که امیرالمؤمنین علیه السلام
در حاضرین به امام حسن مجتبی علیه السلام در
وصیت نامه خود نوشته‌اند و در نهج البلاغه مسطور
است، دیگر از بیان مکارم اخلاق و آداب، دم زدن،
مایه شرمندگی است. لذا تمام اولاد خود را توصیه
می‌کنم که این وصیت نامه را که در نهج البلاغه
موجود است، و خداوند توفیق ترجمه و شرح
اجمالی آن را به این حقیر عنایت نموده است، مطالعه
و کراراً مورد دقت و نظر قرار دهند و آن دُرّ شاهوار

^۱ راجع به طبقه وسط از آنجا که یک طبقه از منزل آقا سید محمدرضا متعلق
به اهل بیت می‌باشد، دیگر نیازی به واگذاری آن به ایشان نمی‌باشد؛ لذا این
مسئله بدین صورت اصلاح و تغییر پیدا کرده است. شب دوم ربیع الاول قم
المقدسه ۱۴۳۷. سید محمد محسن الحسینی الطهرانی [امضا].

را آویزه گوش و هوش و الگوی عمل خود قرار دهند.

و از جدشان اخذ کنند و بر ممشا و روش آن حضرت باشند و رسول الله و وصیش را که دو پدر مهربان امت هستند اسوه خود قرار دهند و به مقام مقدّس حضرت صدیقه کبریٰ سلام الله علیها متمسک و متشبّث گردند و از معنویت و روحانیت آن کانون قدس و طهارت و عصمت، بهره‌مند گردند.

من از همه اولاد خود راضی هستم، چون همه در رشته تقوا و معرفت و فضیلت‌اند؛ خداوند از آنها راضی باشد. کمال رعایت آداب و مساعدت را به مادرشان بنمایند، چون حق حیات در تعلیم و تربیت ایشان دارد.

در مسیر زندگی فقط و فقط تحصیل رضای خدا را در نظر داشته باشید و بدانید تا زمانی که فرد کاملاً و صددرصد مطیع و منقاد امیال نفسانی و شهوانی مردم نگردد، از او راضی نخواهند شد؛ پس در مسیر زندگی محکم و پایدار بایستید و از حرف و طعنه و

تهدید و تطمیع اشخاص نهراسید، و گرچه موجب پاره‌ای از گرفتاری‌ها و مشقّات گردد، صبر و تحمل نمایید و بدانید که این دوروزه دنیا گذراست و ما سرا و عالمی بی‌انتهای در پیش روی داریم. و صد البته که از افراط و تفریط پرهیز نمایید و مراعات سعه و جودی و خصوصیات شخصی افراد لحاظ گردد.

﴿إِنَّمَا يُوفَى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾.

در توسل و توکل به صاحب ولایت کبری حضرت صاحب‌الأمر ارواحنا فداه لحظه‌ای درنگ ننمایید، و مجالس عزای سید و سالار شهیدان را رونق ببخشید، و حداقل ماهی یک بار در منازل خود به ذکر مصیبت و اقامه مجلس عزای حضرات معصومین علیهم السلام اقدام نمایید.

باری، نیاز به تذکر و تنبّه ندارد که بر شما باد به مودّت و محبت و انس و ارتباط مستمر و گرم در بین خود، و از تشّت و تفرقه پرهیزید.

و گهگاهی روح مرا به فاتحه شاد کنید.

و يَبْقَى الخَطُّ فِي القِرطاسِ دَهْرًا *** و كَاتِبُهُ أُسِيرٌ فِي

الترابِ

كُتِبَ بِئِمْنَاهُ الدَّائِرَةُ، الرَّاجِي رَحْمَةَ رَبِّهِ الْغَنِيِّ، الْفَقِيرُ
إِلَى اللَّهِ: السَّيِّدُ مُحَمَّدٌ مَحْسَنُ الْحُسَيْنِيِّ الطَّهْرَانِيِّ، بَنُ
السَّيِّدِ مُحَمَّدِ الْحُسَيْنِ، بَنُ السَّيِّدِ مُحَمَّدِ الصَّادِقِ، بَنُ
السَّيِّدِ إِبْرَاهِيمِ، بَنُ السَّيِّدِ عَلِيِّ الْأَصْغَرِ بْنِ الْمِيرِ إِبْرَاهِيمِ
بَنُ الْمِيرِ طَاهِرِ الطَّهْرَانِيِّ الْأَصْلِ مِنْ سَادَاتِ دِرْكَةِ، مِنْ
أَحْفَادِ الْإِمَامِ زَادِهِ السَّيِّدِ مُحَمَّدِ وَلِيِّ الْمَدْفُونِ بِدِرْكَةِ وَ
هُوَ مِنْ أَحْفَادِ الْإِمَامِ الْهَمَامِ سَيِّدِ الْعَابِدِينَ عَلِيِّ بْنِ
الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ.

أَوْلَيْكَ آبَائِي فَجِئْنِي بِمِثْلِهِمْ *** إِذَا جَمَعْتَنَا يَا جَرِيرُ

الْمَجَامِعُ

فِي بَلَدَةِ قَمِّ، صَانَهَا اللَّهُ مِنَ الْحَدَثَانِ، فِي صَبِيحَةِ
يَوْمِ الرَّابِعِ مِنْ رَجَبِ الْأَصَمِّ، سَنَةِ أَلْفٍ وَ أَرْبَعِمِائَةٍ وَ
خَمْسٍ وَ ثَلَاثُونَ مِنَ الْهَجْرَةِ.

السَّيِّدُ مُحَمَّدٌ مَحْسَنُ الْحُسَيْنِيِّ الطَّهْرَانِيِّ

